

کارگردان «اورسون ولز صحبت می کند» از مستندش می گوید

# ستاره زیر ذره بین!



پس از ساخته شدن این مستند، بسیاری از منتقدان خوب کشورمان که خیلی از آنها صاحب قلم و صاحب کرسی در دانشگاه‌های کشور هستند، فیلم را دیدند و از آن استقبال کردند. آنها از من خواستند پس از پایان کار فیلم نسخه وی‌دی‌آی از آن را برای نمایش در کلاس‌ها در اختیارشان قرار دهم. لازم است به این نکته اشاره کنم نسخه‌های در حال حاضر اکران می‌شوند، نسخه‌های سینمایی از مجموعه مستندهای است که درباره زندگی نامۀ اورسون ولز ساخته‌ام و نسخه اصلی که به عنوان مرجع می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد، پس از پایان کار فیلم به شکل پنج فیلم یک ساعته که هر کدام حوزه متفاوتی از فعالیت‌های ولز را نشان می‌دهد، در شبکه نمایش خانگی توزیع خواهد شد.

## آی آدم‌ها



**پولاد امین** | آی آدم‌ها به عنوان پر فروش ترین فیلم مستند اکران شده در ایران با حدود شصت میلیون تومان فروش؛ مستندی ۶۵ دقیقه‌ای است از رخشان بنی اعتماد که در راستای معرفی پروژه ساخت و تجهیز بیمارستان فوق تخصصی جراحی اطفال زنجیره امید ساخته شده است. رخشان بنی اعتماد مستند آی آدم‌ها را استایشی از انسان و نشانه عشق به انسان خوانده است.

بنی اعتماد درباره داستان شکل گیری فیلم مستند آی آدم‌ها گفت: مدتی قبل از یک نفر پرسیدم چرا نام زنجیره امید را برای این موسسه انتخاب کرده‌اند و او بیان کرد در گذشته و در دوران دانشجویی بچه‌های بیماری را از آفریقا شناسایی می‌کردند و برای درمان به فرانسه می‌آوردند، در این پروژه خانواده‌های فرانسوی با معرفی بیمارستان سرپرستی کودکان بیمار را بر عهده می‌گرفتند تا این کودکان بعد از درمان دوباره به کشورشان بازگردند. این زنجیره، زنجیره امید انسانی بود. اگر مستند آی آدم‌ها بتواند به عنوان یک حلقه از این زنجیره عظیم انسانی جمعیتی را که در این مراسم حضور دارند به این زنجیره وصل کند یعنی من توانسته‌ام کار خود را به خوبی انجام دهم.

## مدار صفر در جه - ملف کند



دومین مستند پر فروش ایران چهل و پنج میلیون تومان فروخته. این مستند ساخته محمود رحمانی روایت کودکی محمد غدیرزاده در دوران جنگ است که زندگی خود را در یک پلان روایت می‌کند. این فیلم در حضورهای بین المللی‌اش موفق به کسب جوایز متعددی از جمله جایزه بهترین فیلم جشنواره حقوق بشر نوریس، جایزه ویژه هیات داوران جشنواره مونوچ، جایزه ویژه هیات داوران جشنواره ملیسیوم و جایزه منتقدان جشنواره ملیسیوم شده است. محمود رحمانی علاوه بر ملف کند تاکنون فیلم‌های مدار صفر در جه، مدرم بلوط و نفت سفید را نیز کارگردانی کرده است.

## من ناصر حجازی هستم



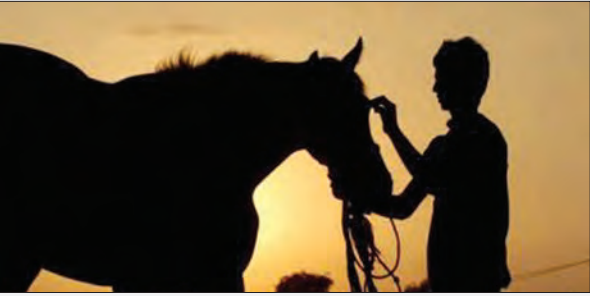
باحثو دوچهل میلیون تومان فروش؛ این فیلم به کارگردانی نیماناطیلبابی داستان زندگی ناصر حجازی بهترین دروازه‌بان قرن آسیا را از پنج فصل با نام‌های: من رویایی دارم، آخرین مرد مقاوم، سهراب کشتی، از استقلال تا استقلال و پرواز عقاب به تصویر کشیده است که از طریق اکران در گروه سینماهای هنر و تجربه و هم چنین شبکه نمایش خانگی در اختیار مخاطبین قرار گرفت. نسخه سینمایی آن ۱۰۸ دقیقه و نسخه DVD مربوط به شبکه نمایش خانگی ۱۶۵ دقیقه است. نکته مهم در مورد این فیلم این که کارگردانش کوتاه‌زمانی پس از ساخت قسمت اول من ناصر حجازی هستم در گذشت.

## شش قرن و شش سال



این فیلم به کارگردانی و تهیه کنندگی مجتبی میر تهماسب با فروشی در حدود سی میلیون تومان؛ نگاهی دارد به بازسازی موسیقی رایج در شش قرن گذشته که ساخت آن شش سال زمان برده است. این فیلم مستند تاکنون سیمرغ جلیوز برین جایزه دوران جشنواره فیلم فجر، جایزه جشن مستقل مستند سازان دهمین جشن خانه سینما، تندیس بهترین پژوهش از هشتمین دوره جشنواره بین المللی سینماحقیقت، جایزه عمر خیام نخستین جشنواره بین المللی فیلم‌های علمی اهورا، جایزه نتیک (شبکه ارتقای سینمایی آسیا)، بهترین فیلم مستند جشنواره بین المللی باستان شناسی ITAK بریکاور (در ایالت کالیفرنیا) برنده شده است.

## آتلان



فیلمی به کارگردانی و تهیه کنندگی معین کریم‌الدینی با فروشی قابل قبول که به رابطه عاشقانه و عاطفی اسب و سوار می‌پردازد. فیلم داستان علی پدروش و برادرش را روایت می‌کند که مربی اسب هستند و اسب تمام هستی آنهاست. ایلمحان نام اسبی است که مقام‌های زیادی نصیب خانواده آنها کرده است. علی قرار است با پولی که از جوایز ایلمحان و بقیه اسباب‌ها می‌آورد ازدواج کند اما همیشه در کورس همه چیز بر وفق مراد پیش نمی‌رود. ایلمحان در شرایط پیش بینی نشده‌ای قرار می‌گیرد و علی می‌جنگد برای قهرمانی اسپش...

تازه از سال ۲۰۰۰ به بعد معنا پیدا می‌کند. برای اثبات این حرف بگذارید برای‌تان درباره مباحثه آزمایشی که از یک سسری از آموزشگاه‌های سینمایی گرفتم، توضیح دهم که در پاسخ پرسش «اورسون ولز کیست؟» فقط یک نفر گفته بود اورسون ولز همان فیلمساز است که همشهری کین را ساخته و مطمئنم آن یک نفر هم فیلم را ندیده و فقط اسم آن را شنیده است. این جای تأسف دارد که دانشجویان سینما در کشور ما یکی از بزرگترین کارگردان تاریخ سینما در دنیا را نمی‌شناسند. بنابراین در چنین شرایطی مستند «اورسون ولز صحبت می‌کند» می‌تواند به بالا رفتن سطح آگاهی دانشجویان کمک کند.

تازه از سال ۲۰۰۰ به بعد معنا پیدا می‌کند. برای اثبات این حرف بگذارید برای‌تان درباره مباحثه آزمایشی که از یک سسری از آموزشگاه‌های سینمایی گرفتم، توضیح دهم که در پاسخ پرسش «اورسون ولز کیست؟» فقط یک نفر گفته بود اورسون ولز همان فیلمساز است که همشهری کین را ساخته و مطمئنم آن یک نفر هم فیلم را ندیده و فقط اسم آن را شنیده است. این جای تأسف دارد که دانشجویان سینما در کشور ما یکی از بزرگترین کارگردان تاریخ سینما در دنیا را نمی‌شناسند. بنابراین در چنین شرایطی مستند «اورسون ولز صحبت می‌کند» می‌تواند به بالا رفتن سطح آگاهی دانشجویان کمک کند.

تازه از سال ۲۰۰۰ به بعد معنا پیدا می‌کند. برای اثبات این حرف بگذارید برای‌تان درباره مباحثه آزمایشی که از یک سسری از آموزشگاه‌های سینمایی گرفتم، توضیح دهم که در پاسخ پرسش «اورسون ولز کیست؟» فقط یک نفر گفته بود اورسون ولز همان فیلمساز است که همشهری کین را ساخته و مطمئنم آن یک نفر هم فیلم را ندیده و فقط اسم آن را شنیده است. این جای تأسف دارد که دانشجویان سینما در کشور ما یکی از بزرگترین کارگردان تاریخ سینما در دنیا را نمی‌شناسند. بنابراین در چنین شرایطی مستند «اورسون ولز صحبت می‌کند» می‌تواند به بالا رفتن سطح آگاهی دانشجویان کمک کند.

**اورسون ولز در ابتدای فیلم می‌گوید که من هیچ‌وقت از مسائل شخصی و خصوصی در زندگی‌ام صحبت نمی‌کنم و مواردی که دانستنش ضروری نیست را باز نمی‌کنم، در فیلم شما هم خیلی کم از زندگی خصوصی ولز اطلاعاتی دریافت می‌کنیم و بیشتر به زندگی نامه کاری او پرداخته شده است. چرا؟**  
ولز دین‌دار بوده و گفته بود چیزی که دیگران در بیوگرافی‌ها می‌گویند من به کسی نمی‌گویم و چیزی که دوست دارم از من گفته شود، شکست‌ها و پیروزی‌هایم است و آدم‌هایی که با آنها در زندگی آشنا شدم یا کارهایی که انجام دادم. منظور او از این حرف این بود که منظرش در زندگی شخصی مواردی که درباره زندگی شخصی او بود گسسته و نامنتظم است، ولی من می‌خواهم داستان او را به گونه‌ای روایت کنم که مخاطب با او هم‌فکر باشد. ولز به لحاظ فنی و حرفه‌ای یک فرد بی‌نقص بود، ولی نمی‌توانست در چنین چیزهایی شکست بخورد و به همین واسطه چه خواهد شد، چه خواهد بود در ذهن او قرار می‌گیرد؛

## رودروبا کارگردان والسی برای تهران

## آخرین بازمانده یک نسل مهاجر



بامرکز گسترش سینمایی مستند تجربی مطرح کردم در کمال ناباوری آنها پذیرفتند این طرح حمایت کنند.  
**در طول فیلم به تلاش‌های بی‌شمار مهرداد برای گرفتن مجوز اشاره می‌شود، ولی به جز یک مورد که او به تالار وحدت می‌رود، بار دیگری مرا جعه او به مرکز دیگر در فیلم دیده نمی‌شود. به نظر تان آن یک مورد کافی بوده است؟**

البته که مورد نیست و یک بار هم به فرهنگ‌سرای اسبازان می‌رود ولی من از قصد نمی‌خواستم هیچ مدبری را جلوی دوربینم ببرم، چون این را دیگر همه افرادی که در این جامعه زندگی می‌کنند، می‌دانند که برای هر درخواست کوچکی باید هزاران مرحله را طی کنی تا جواب بگیر، بنابراین نمی‌خواستم این مسیر تکراری را در فیلم بکنم. از طرفی فیلم گرفتن از این مدیران نیز به راحتی امکان پذیر نبود و آنها جلوی دوربین حاضر نمی‌شدند، بنابراین تصمیم گرفتم هر بار که مهرداد برای گرفتن مجوز به جایی می‌رود، با دوربینم بیرون منتظر بازگشت او بنامم تا اتفاقات داخل جلسه را جلوی دوربینم برایم بگوید. البته ما این را به خوبی می‌دانستیم که مهرداد موفق نمی‌شود آنها را راضی کند که مجوز بدهند، ولی به هر حال او تلاش خود را در این مسیر کرد.

**ظاهراً فیلم تان در مرحله ساخت چند ماهی متوقف شده است**

فیلم‌ها اولین زینت تیریزی بیشتر فیلم‌های کوتاه و تجربی بودند. فیلم‌هایی چون هشت دقیقه بیشتر و سلطین خیابان هاو... این کارگردان همچنین ساخت مستندی به نام گرآفتی و استریت آرت انیز در کارنامه دارد که البته هنوز به نمایش در نیامده است. جدیدترین فیلم این کارگردان جوان والسی برای تهران است که به شرح زندگی یک گروه موسیقی خیابانی می‌پردازد: زینت تیریزی ادعای کند دلیل اصلی ساخت این مستند علاقه مندی‌اش به سوزهای شهری بوده است. ادامه سخن این کارگردان را می‌خوانیم...

**چه شد حس کردید می‌شود با محوریت مهرداد مهدی کاراکتر اصلی والسی برای تهران فیلم ساخت؟**

در روزهایی که درباره گروه‌های موسیقی تحقیق می‌کردم، یکی از دوستانم موزیسین من در دفتر مرا با فردی آشنا کرد که در تهران معازة ساز فروشی دارد و یک گروه موسیقی خیابانی سازهای شان را برای تعمیر پیش او می‌برند. سراغ او رفتم و از این طریق بار دلان را چمن، یکی از اعضای این بند آشنا شدم. وقتی بار دلان تماس گرفت، من به این دلیل که در سفر بود، شماره مهرداد مهدی را دادم و بعد از آن بود که با مهرداد، نیک‌زاد، پاپو و یک‌فرار حضوری گذاشتم. در نخستین جلسه‌ای که با هم داشتیم، حدود سه ساعت صحبت‌مان طول کشید و همان جا بود که فهمیدم مهرداد باید کاراکتر اصلی فیلم باشد. قبل از آن آشنایی هیچ‌وقت خودم مهرداد را در خیابان ندیده بودم و فقط ویدیوهایی که در قبس بوک‌آز او منتشر شده بود را دیده بودم. از طریق همان ویدیوها هم می‌شد این را متوجه شد که مهرداد موسیقی را به شکل جلدی و حساب شده دنبال می‌کند کارش را بلد است.

**شما خود تان ساز می‌زنید؟**

نه من ساز نمی‌زنم.

**پس دلیل علاقه و تحقیق هایتان در مورد گروه‌های موسیقی خیابانی چه بود؟**

شاید بنسود گفت به دلیل نگاه اجتماعی که دارم در واقع در امتداد فعالیت‌هایی که در زمینه مستندهای شهری و خیابانی داشتم، تصمیم گرفتم درباره موسیقی خیابانی نیز مستند بسازم. در فیلم‌های قبلی‌ام هم همیشه سوزهای شهری بودند و به این سبک کار علاقه زیادی دارم. بعد از این که تصمیم به ساخت مستندی درباره موسیقی خیابانی گرفتم، این ایده را